

تفسير احمد

سُورَةُ الْقَدْرِ

Ketabton.com

97

شماره

ترجمه و تفسير سورة «القدر»

تتبع و نگارش: امين الدين سعيدي - سعيد افغانى

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سوره القدر

جزء 30

سوره قدر در «مکه» نازل شده و دارای 5 آیه است.

وجه تسمیه:

این سوره به نام شب قدر که قرآن در آن نازل گردیده است، «قدر» یعنی شرف و عظمت نامیده شد چنانکه الله سبحانه و تعالی در مطلع آن می‌فرماید: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» (القدر: 1).

این سوره ، پس از سوره ی عبس شرف نزول یافته است.
این سوره دارای آسمای ذیل می‌باشد:

1 - القدر.

2 - لیلۃ القدر.

3 - «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ».

زمان نزول سوره قدر:

درباره ی مکی یا مدنی بودن این سوره در بین علماء اختلاف وجود دارد. مفسر أبوحیان در البحرالمحیط ادعا کرده است که نزد بیشتر علماء این سوره از جمله سوره های مدنی میباشد. علی بن أحمد الواحدی در تفسیر خود می نویسد که این اولین سوره ایست که در مدینه نازل شده بود. برخلاف این ماوردی می فرماید که: این سوره نزد بیشتر عالمان مکی است و امام سیوطی در الاتقان هم همین مطلب را نوشته است. ابن مردویه از ابن عباس (رض) ، ابن زبیر و عائشه (رض) این گفته را نقل کرده است که این سوره در مکه نازل شده بود. از فحوای و مضمون سوره هم همین احساس می شود که این سوره بایستی در مکه نازل شده باشد.

موضوع بحث سوره قدر:

قبل از همه باید گفت که: در این سوره مبارکه درباره ی آغاز نزول قرآن کریم و فضل و برتری شب قدر بر سایر ایام و ماهها بحث بعمل آمده است. شب قدری که أنوار تجلیات قدسی و رایحه و شمیم ربانی در آن انتشار می یابد و الله سبحانه و تعالی آن را به حرمت نزول قرآن به بندگان با ایمان آرزانی می‌دارد. و نیز درباره ی نزول ملائک پاک سرشت از آسمان تا طلوع فجر بحث می‌کند. پس چه شبی بزرگ است شب قدر! که در نزد الله از هزار ماه بهتر است!

موضوع اصلی بحث درین سوره مبارکه طوریکه در فوق هم یادآور شدیم؛ همانا بیان عظمت قرآن عظیم الشان است، جلال و عظمت قرآن کریم به پیمانہ ایست که شب نزول آنرا «شب قدر» مسمی نموده اند. شب ارزش، نه شب با ارزش، شبی که خود ارزش است و معیاری برای ارزش ها، بهتر از هزار شب، بهتر از عمر یک انسان، شب سرنوشت ساز، سرنوشت و مقدرات ملت ها را این شب رقم میزند. هرکي پاس این شب را داشت و به نعمت عظیم الهی که در این شب شامل حالش شده و قعی گذاشت و برداشت و نگهداشت و شکرش را بجای آورد، به عزت و عظمت رسید. هرکي به عظمت این «شب قدر» اعتنا نکرد، نعمتی را که این شب قدر ظرف آن بود، نشناخت و قعی به آن

نگذاشت و پاسش را نداشت، ذلیل و به عذاب الهی مواجه می‌گردد.

تعداد آیات، کلمات و حروف سوره «القدر»:

طوری‌که گفتیم؛ سوره قدر در مکه نازل شده، آیتش کوتاه و موزون است. این سوره دارای (1) رکوع، (5) پنج آیت، (31) سی و یک کلمه، (115) یکصد و پانزده حرف و (49) چهل و نه نقطه است. (لازم به ذکر است که اقوال علماء در نوع حساب کردن تعداد حروف سوره های قرآن متفاوت و مختلف است. برای تفصیل این مبحث می‌توانید به سوره الطور، تفسیر أحمد مراجعه فرمایید).

پیوند و ارتباط سوره القدر با سوره العلق:

الله سبحان و تعالی، در سوره‌ی علق به پیامبر صلی الله علیه وسلم دستور فرمود تا به نام پروردگارش قرآن بخواند و بیاموزد، در این سوره نیز آغاز نزول آن را بیان می‌کند که در شب قدر با قدر و گرانبهای ماه رمضان است.

فضیلت سوره قدر:

محتوای و فضیلت سوره قدر طوری‌که از نام این سوره معلوم و هویدا است در قدم اول به بیان نزول قرآن عظیم الشان در شب قدر می‌پردازد، و سپس در بیان اهمیت شب قدر و برکات و آثار آن توضیحات را ارائه می‌دارد.

نزول قرآن عظیم الشان، در شب قدر همان شبی که مقدرات و سرنوشت انسانها در تمام سال در آن شب تعیین می‌شود دلیل دیگری بر سرنوشت ساز بودن این کتاب بزرگ آسمانی است.

فضیلت شب قدر:

«شب قدر» شبی است که در آن قرآن بر پیامبر عظیم الشان اسلام نازل شده است و فضیلت عبادت در این شب از تمام شبها بیشتر است. در این شب مقدرات یک سال انسان معین می‌گردد. از با فضیلت ترین اعمال در چنین شبی «إحیاء» می‌باشد که به معنای پاس داشتن یک شب تا صبح است. پس جا دارد که در چنین شبی انسان از اعمال زشت خود استغفار نماید چرا که شب توبه است و خداوند در آن بندگان را مورد إکرام خاص خود قرار میدهد. لسان الغیب سروده است.

إسرار نزول تدریجی قرآن:

الله متعال، اُمت محمدی را معزز و بزرگوار گردانید و آخرین پیام و کتاب گران قیمت با عظمت و معجزه آساء خویش را بر آنان نازل فرمود، تا قانون زندگی، راه گشای مشکلات، مرهم [و داروی] شفابخش دردها و امراض روحی و جسمی و نشانه‌ی بزرگی و سرفرازی این اُمت برگزیده گردد و برای حمل مقدس ترین پیام آسمانی - که نزولش سبب مجد و افتخار آنان گشت به ایشان را به برگزیده ترین و بزرگوارترین آفریده‌ی زمین و آسمان، محمد بن عبدالله صلی الله علیه وبارک وسلم، منتسب فرمود و با نزول این قرآن، پیوند ارزشمند رسالت آسمانی به کمال رسید، نور تابان در جهان گسترده شد، روشنایی آن، هستی را فراگرفت و هدایت الهی مردم را دستگیر و پشتیبان گشت. نزول قرآن به وسیله‌ی امین آسمان، جبریل امین علیه السلام صورت گرفت که آن پیامها را به تدریج بر قلب مبارک پیامبر فرود آورد. (شعراء/ ۱۹۳ تا ۱۹۵) [در آمدی بر علوم قرآنی، ص ۵۵ و تفسیر فرقان].

فلسفه‌ی نزول تدریجی قرآن:

نزول تدریجی قرآن عظیم الشان دارای، حکمت‌های بزرگ و رازهای فراوانی می‌باشد که انسان‌های دانشمند از آن مطلع‌اند، برخی از این رازها و حکمت‌ها عبارتند از:

- 1 - برای محکم نگهداشتن قلب پیامبر در برابر اذیت و آزار مشرکان.
- 2 - مهربانی و تلطف کردن به پیامبر در هنگام نزول وحی.
- 3 - اندک اندکی پیش رفتن در قانون‌گذاری احکام آسمانی.
- 4 - آسان بودن حفظ و درک قرآن برای مسلمانان.
- 5 - همراه بودن با وقایع و رویدادها و بیداری و آگاهی از آنها در وقت خود و پیوستن به درگاه پروردگار به وسیله‌ی قرآن که از سوی دانای ستوده سیر، نازل گشته است.
بنقل از: درآمدی بر علوم قرآنی، صفحه 59 و تفسیر فرقان).

پیام‌های سوره قدر:

- شب قدر، شب سلامت فکر و روح انسان و تعالی به سوی خداوند سلام است. «سلام هی حتی مطلع الفجر»
 - شب قدر، شب رحمت است و میتوان با توبه، الطاف پروردگار را به خود جلب کرد.
- «سلام هی حتی مطلع الفجر»:**
- تقدیر امور از سوی الله متعال، بر اساس سعادت بشر است، مگر آنکه او خود جز این بخواهد. «سلام هی حتی مطلع الفجر».

ترجمه و تفسیر سُورَةُ الْقَدْرِ جزء 30

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
به نام خدای بخشاینده و مهربان

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ ﴿١﴾ وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ ﴿٢﴾ لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ ﴿٣﴾ تَنْزِيلُ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ ﴿٤﴾ سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ ﴿٥﴾

ترجمه موجز:

«إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» (1) همانا ما آن (= قرآن) را در شب قدر نازل کردیم، «وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ» (2) و تو چه فهمیدی که چیست شب قدر؟!، «لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ» (3) شب قدر بهتر است از هزار ماه، «تَنْزِيلُ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ» (4) فرود می آیند فرشتگان و روح (= جبرئیل) در آن (شب) به دستور پروردگارشان برای (انجام) هر کاری نازل میشوند.

«سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ» (5) امان است، آن شب تا طلوع صبح است.

تشریح لغات و اصطلاحات:

«انزلنا»: نازل کردیم.

«القدر»: توانایی، بزرگواری، شرف، منزلت، ارزش، اندازه و مقدار.

«ما ادراك»: تو چه می‌دانی، تو چه دانایت کرد، تو خبر نداری. (حاقه 3/، (مرسلات/ ۱۴)، (انفطار/ ۱۶ و ۱۷).

«ألف شهر»: هزار ماه.

«الروح»: جبرئیل، یا روح هر چیز، رحمت.

«من كل أمر» ← لکل امر: برای هر کاری.

«سلام»: درود و تحیت، سلامت، امن و امان.

«مطلع»: طلوع، دم صبح، سپیده دم.

تفسیر سوره قدر:

خوانندگان گرامی!

در آیات متبرکه سوره هذا در باره؛ آغاز نزول قرآن و فضایل شب قدر، بحث بعمل آمده است.

«إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» (1):

ما قرآن را در شب ذي قيمت و با ارزش «ليلةالقدر» فرو فرستاده‌ایم. به خاطر همین نزول قرآن کریم است که این شب در عبادت، شرافت، بزرگی و منزلت خود از هزار ماه بهتر شده است.

«انزلناه»:

ضمیر (ه) در «أَنْزَلْنَاهُ» به فهم اکثریت از مفسران به قرآن بر می گردد. و اشاره به آغاز نزول قرآن است. ذکر ضمیر به جای اسم ظاهر، به خاطر شهرت و جلالت فوق العاده قرآن، و جایگزین بودن آن در همه اذهان است.

خداوند، امور عالم را از طریق فرشتگان و با واسطه آنان به انجام میرساند. لذا در بسیاری از آیات قرآن، فعل‌ها و ضمیر های مربوط به خداوند به صورت جمع آمده است. چنانکه در آغاز این سوره میفرماید: «أَنَا أَنْزَلْنَاهُ» ما قرآن را نازل کردیم.

بر اساس نظر تعداد کثیری از مفسران، قرآن عظیم الشان دو بار نازل شده است. یکبار به صورت یکپارچه در شب قدر که این سوره به آن اشاره دارد و بار دیگر به صورت تدریجی در مدت بیست و سه سال دوره رسالت پیامبر. تعبیرات قرآن نیز درباره نزول این کتاب آسمانی دو گونه است. برخی با کلمه «انزلنا» از ریشه انزال به معنای نزول دفعی آمده و برخی دیگر با کلمه «نزلنا» از ریشه تنزیل به معنای نزول تدریجی آمده است. ابن عباس (رض) فرموده است الله متعال انرا به صورت کامل از «لوح المحفوظ» به «دار العزة» در آسمان دنیا نازل کرد، پس از آن به مقتضای حال و در خلال بیست و سه سال بر پیامبر صلی الله علیه و سلم نازل شد. (مختصر ۶۵۹/۳ و قرطبی ۱۳۰/۱۹).

مفسر تفسیر «جلوه های از اسرار قرآن» مینویسد: «انزال و پائین آوردن قرآن هم به معنی فرستادن این پیام الهی از بالا به پائین است و هم پائین آوردن مستوای بلند کلام الهی به سطح فهم و درک انسان. یعنی پروردگار با عظمت ما مستوای کلام خود را به حدی پائین آورده که برای «انسان روی زمین» قابل فهم شود.

«لَيْلَةُ الْقَدْرِ»: شب بزرگوار و ارزشمند، شب ارزشیابی و تعیین سرنوشت است، چون قرآن کریم در آن نازل شده است و سراسر نور، رحمت، خیر، برکت، سلامت و سعادت از هر جهت است.

قدر:

- 1 - تقدیر و سرنوشت در این شب برای ملائک روشن و مشخص می‌شود.
 - 2 - ارزش و منزلت این شب بالاست و برابر عبادت 83 سال اجر دارد.
- بنابراین شب قدر، شب شکرگزاری و تشکر از الله متعال است. زیرا مهم‌ترین نعمت الهی بر بشر، یعنی قرآن نازل شده است.
- در ضمن قابل یادآوری است که: ظرف و مظروف باید متناسب باشند. بهترین کتاب در بهترین شب بر بهترین انسان‌ها نازل می‌شود.

«وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ» (2):

و چه چیزی آگاهی کرد که چیست شب قدر؟ یعنی تو چه میدانی که شب قدر کدام است؟ (و چه اندازه عظیم است؟) یعنی چه چیزی شما را به قدر و منزلت و فضل آن آگاه کرده است؟! (خازن ۲۷۵/۴).

استفهام برای تفخیم و بزرگداشت شأن شب قدر است، یعنی: تو مرتبه و پایه نهایی فضل و شرف شب قدر را درک نکرده‌ای.

«مَا أَدْرَاكَ؟» تو چه میدانی؟ تعبیر «مَا أَدْرَاكَ؟» برای ما مفهوم این موضوع را میرساند و برای ما واضح می‌سازد که، زمان و عظمت دقیق این شب را حتی شخصی پیامبر صلی الله علیه و سلم هم نمی دانسته است، چه رسد به دیگران!

این آیه مبتار که دلیل اهمیت و ارزش و فضیلت این شب مبارک را بیان میدارد که: در بین شب‌های دهه آخر ماه رمضان مخفی شده و هیچ کس به طور قطع از آن خبر ندارد. به نظر علماء علت إخفاء شب قدر در شب‌های طاق دهه آخر رمضان عبارت است از: الله متعال آن را مخفی نگه داشته تا بندگان به عبادت بیشتر تشویق شوند و عبادت خود را منحصر و خاص به یک شب نسازند. و یک دوره آموزشی برای تقویت ایمان همگان باشد.

یادداشت:

شب‌های طاق دهه آخر رمضان (21، 23، 25، 27 و 29) از بهترین هدیه‌هایی است که الله به بندگان عطا فرموده است.

« لَيْلَةُ الْقَدْرِ »: (شب قدر):

کلمه «قدر» در قرآن عظیم الشان، در چند معنا به کار رفته است:
الف: مقام و منزلت. چنانکه می‌فرماید: «وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ» (أنعام، 91). (آن گونه که باید، مقام و منزلت الهی را شناختند).
ب: تقدیر و سرنوشت. چنانکه می‌فرماید: «جِئْتُ عَلَى قَدَرٍ يَا مُوسَى» (طه، 40). (ای موسی تو بنا بر تقدیر (الهی به این مکان مقدس) آمده‌ای).
ج: تنگی و سختی. چنانکه می‌فرماید: «وَمَنْ قَدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ...» (طلاق، 7). (کسی که رزق و روزی بر او تنگ و سخت شود....).
 دو معنای اول در مورد «لَيْلَةُ الْقَدْرِ» مناسب است، زیرا شب قدر، هم شب با منزلتی است و هم شب تقدیر و سرنوشت است.

« لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ » (3):

شب «لَيْلَةُ الْقَدْرِ» از جمله شب‌های که از هزار ماه بهتر است.
 «أَلْفِ شَهْرٍ»: هزار ماه. قابل تذکر است که مراد «أَلْفِ شَهْرٍ» تکثیر است نه تعیین و تحدید.

در اینکه لیلۃ القدر از هزار ماه بهتر قرار داده شده. بدیهی است که در آن هزار ماه هر سال یک شب، لیلۃ القدر می‌باشد، پس این محاسبه به چه صورتی می‌باشد. ائمه تفسیر فرموده‌اند که مراد از هزار ماه، آن ماههایی هستند که در آنها این شب نباشد، لذا ایرادی نمی‌آید. (کذا ذکره ابن کثیر عن مجاهد).

با توجه به اختلاف مطالع در ممالک و شهرهای مختلف، شب قدر مختلف می‌باشد و در آن هیچگونه اشکالی نیست، زیرا به اعتبار هر کجا که شب قدر بیاید در شب همانجا برکات لیلۃ القدر حاصل می‌شوند. والله سبحانه و تعالی أعلم.
 مفسران فرموده‌اند: یعنی عمل نیکو در شب قدر بهتر از عمل هزار ماهی می‌باشد که در آنها شب قدر نباشد. در روایات تاریخی آمده است که: یک نفر به مدت هزار ماه سلاح را برداشت و در راه الله جهاد کرد. پیامبر صلی الله علیه و سلم و مسلمانان در شگفت شدند. و پیامبر صلی الله علیه و سلم برای امتش تمنا کرد و گفت: خدایا! به اُمت من کوتاه ترین عمر و کمترین عمل عطا کرده‌ای! آنگاه الله متعال شب قدر را به او عطا فرمود و گفت: شب قدر برای تو و اُمت تو از هزار ماه که آن مرد در آن جهاد کرد بهتر است. (این نظر از ابن عباس و مجاهد روایت شده است).

مجاهد گفته است: یعنی عمل نیک و روزه گرفتن و نماز شب از هزار ماه بهتر است. (مختصر ۶۵۹/۳).

یادداشتی در مورد «ألف شهر»: = 83 سال و 4 ماه:

الله متعال به خاطر عمر کوتاه انسان بر ما منت نهاده که با عبادت در این شب اجر و ثواب عبادت یک عمر را داشته باشیم؛ زیرا حادثه‌ای در این ظرف زمانی صورت گرفته که عظیم‌تر از آن حادثه را در زمین سراغ نداریم. در ضمن لازم نیست کلمه‌ی «ألف» را محدود کنیم که منظور هزار است و بعضی از علماء و محدثین آمده‌اند هزار ماه را تقدیر کرده‌اند که شده هشتاد و چند سال و نتیجه‌گیری‌هایی کرده‌اند که این نتیجه‌گیری‌ها زیاد مطلوب و با سیاق آیات جور و برابر در نمی‌آید.

الله تعالی در بیان عظمت لیلۃ القدر می‌فرماید: «لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِّنْ أَلْفِ شَهْرٍ ۃ» شب قدر بهتر است از هزار ماه. اما اینکه گفته‌اند عبادت در شب قدر از هزار ماه بهتر است، جای بحث است، زیرا الله فرموده: «العِبَادَةُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنَ الْفِ شَهْرٍ». بلکه فرموده: «لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِّنْ أَلْفِ شَهْرٍ ۃ» خود شب قدر بهتر است از هزار ماه و این هزار برای تکثیر است. الزاماً به معنای همین هزار نیست که دقیقاً عدد هزار را برساند و در قرآن این تعبیرات بسیار زیاد به کار رفته است.

مفهوم عمر کوتاه انسان:

رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است: «أَعْمَارُ أُمَّتِي مَا بَيْنَ السَّبْعِينَ إِلَى السَّبْعِينَ، وَأَقْلُهُمْ مَنْ يَجُورُ ذَلِكَ» [ترمذی: 3550] و [ابن ماجه: 4236] حکم آلبانی: (عمر امت من بین 60 تا 70 سال می‌باشد و عده کمی از آن‌ها بیشتر از این عمر می‌کنند.) و الله متعال به خاطر عمر کوتاه ما این هدایا را به ما تقدیم داشته است.

یادداشت:

هر کسی که در شب قدر نماز عشا و صبح را به جماعت ادا کرد، او نیز ثواب آن شب را دریافت، و هر کس هرچه بیشتر عبادت کند به ثواب بیشتری نایل می‌گردد. در صحیح مسلم به روایت حضرت عثمان (رض) آمده است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: هر کسی که نماز عشا را با جماعت اداء کرد به ثواب قیام نیم شب نایل آمده است و اگر نماز صبح را با جماعت ادا نماید، پس ثواب عبادت شب بیداری همه شب را یافته است.

«تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِّنْ كُلِّ أَمْرٍ» (4):

فرشتگان و جبرئیل در آن شب با اذن پروردگارشان، پیاپی (به کره زمین و به سوی پرستشگران الله (ج) و عبادت کنندگان شب زنده دار الله متعال می‌آیند برای هر گونه کاری (که بدان یزدان سبحان دستور داده باشد).

«تَنْزَلُ»: پیاپی نازل گردید.

این فعل می‌تواند به معنی ماضی باشد (شیخ محمد عبده در تفسیر جزء عم) می‌فرماید: «الرُّوحُ»: جبرئیل. نزول فرشتگان و سردسته ایشان جبرئیل به کره زمین، جهت دعای خیر و طلب آمرزش برای کسانی است که شب زنده داری مینمایند و به عبادت می‌پردازند و از پروردگار با عظمت طلب مرحمت و مغفرت میکنند.

«تَنْزِيلُ الْمَلَائِكَةِ وَ الرُّوحِ» مراد از روح، حضرت جبرئیل امین است. حضرت انس روایت نموده است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: هرگاه شب قدر بیاید، جبرئیل با جمع بزرگی از فرشتگان به زمین فرود می‌آیند، و برای همه بندگان خدا از مرد و زن که به نماز یا ذکر الله مشغول باشند، دعای رحمت می‌کنند.

«بِإِذْنِ رَبِّهِمْ»: «به دستور و فرمان الله متعال در آن شب نازل می‌شوند.» یعنی آنان سر به خود و به اصطلاح خودسرانه فرود نمی‌آیند، بلکه به اذن و اجازه پروردگار با عظمت فرود می‌آیند.

«مِنْ كُلِّ أَمْرٍ»: «در باره هر کاری که در آن سال تقدیر گردد.» و مراد از هر فرمانی هم همان چیزی است که در آیه ی 5 سوره ی دخان امر حکیم (کار و امر حکیمانه) خوانده شده است.

فرشتگان در آن شب هر چه الله فرموده و امر کند در سرنوشت و تقدیر انسان‌ها می‌نویسند. و انسان‌ها می‌توانند با عبادت و دعای خالصانه در این شب، تقدیر خود را عوض کنند باذن الله تعالی.

ابن کثیر در تفسیر خویش در باره جمله: «مِنْ كُلِّ أَمْرٍ» آیه مبارکه مینویسد: در اینجا حرف «مِنْ» به معنای «با» است. چنان که در «یَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ» (سوره رعد، 11) «مِنْ» به معنای «با» به کار رفته است، همچنان از لحاظ قواعد نحوی میتوانیم به صراحت بگوییم که حروف جاره یکی به جای دیگر نیز استعمال میشود واضح است که مِنْ و با هر دو از حروف جاره است یعنی فرشتگان تمام وقایع پیش آینده تقدیر در سال را با خود همراه گرفته به زمین فرود می‌آیند.

بعضی از مفسرین مانند مجاهد و غیره «مِنْ كُلِّ أَمْرٍ» را به «سلام» متعلق دانسته و آن را چنین معنی کرده اند که این شب از هر شر و آفت و چیز هائی بد، سالم است. (تفسیر ابن کثیر).

«سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ» (5):

آن شب، شب سلامت و رحمت (و درود فرشتگان بر مؤمنان شب زنده دار) است تا طلوع صبح. این شب همه‌اش آرامش و سلامتی است، از اول تا آخرش برکت است، بدی و فتنه‌ای در آن نیست و ناخجسته‌گی و خطری از نخستین لحظاته تا هنگام طلوع بامداد وجود ندارد.

«سَلَامٌ»: سلام و درود.

مراد درود فرشتگان بر مؤمنان است که طلب آمرزش و رحمت برای ایشان است.
سلامت:

یعنی طاعت و عبادت در آن، موجب سلامت و در امن و امان ماندن مؤمنان از هر چیز است.

یا این که به معنی سالم، یعنی شبی است سالم و توأم با سلامت.
شیخ قرطبی در تفسیر خویش مینویسد: «سلام» در اصل عبارت «هی سلام» است. لفظ «هی» حذف شده است، یعنی این سلام و سلامتی است، و کاملاً خیر است، که نامی از شر در آن نیست. (قرطبی) و برخی دیگری از مفسرین گفته‌اند که تقدیر عبارت «سلام هو» است، و آن را صفت «کل امر» قرار داده‌اند، و معنایش اینکه این فرشتگان هر آن امری را برداشته می‌آیند که خیر و سلام باشد. (مظهری).

مجاهد در تفسیر آیه کریمه می فرماید: «آن شب، شب سالمی است که شیطان نمی‌تواند در آن گزند و آزاری برساند». شعبی می‌گوید: «مراد از سلام، سلام گفتن فرشتگان بر اهل مساجد در شب قدر است از هنگامی که آفتاب پنهان می‌شود تا آنگاه که بامداد طلوع می‌کند».

«هي حتي مطلع الفجر»: یعنی این برکات لیلۃ القدر مختص قسمتی از شب نیست، بلکه از آغاز شب گرفته تا طلوع فجر ادامه خواهد داشت.

«مَطْلَع»: طلوع، دمیدن، وقت طلوع، هنگام دمیدن. مصدر میمی یا اسم زمان است.

یادآوری:

شب قدر در مناطق مختلف، یکی است. چرا که شب همان سایه نیم کره زمین است که بر نیم کره دیگر می‌افتد، و این سایه همراه گردش زمین در حرکت است.

یک دوره کامل آن در بیست و چهار ساعت انجام می‌پذیرد. این مدت که تاریکی تمام نقاط زمین را به تدریج فرا می‌گیرد، شب کامل کره زمین و شب قدر آن است که با اختلاف چند ساعت زودتر و دیرتر، مهمان مردمان گوشه و کنار سراسر زمین میشود.

نظریات علماء در مورد در بندبودن شیاطین در این ماه:

بصورت کل نظریات علماء را در این بابت میتوان در سه نظر ذیل خلاصه و جمع‌بندی نمود:

1 - شیطان قبل از رمضان انسان را به حدی به گناه مشغول و آغشته می‌کند که اثر آن تا آخر ماه رمضان بر روی انسان باقی بماند و در رمضان به واسطه‌ی گناهان قبل از رمضان نتواند طاعت و عبادت الله را به جا آورد. برآساس این نظر شیاطین در رمضان در بند هستند ولی انسان به واسطه‌ی اثر گناهان قبل از رمضان از عبادت شایسته الله باز می‌ماند.

2 - رئیس شیاطین در بند است و بقیه و اطفال شان آزاد هستند و فعالیت می‌کنند.

3 - در لیلۃ القدر هیچ شیطانی آزاد نیست و همه در بند و در غل و زنجیر هستند. انسان در آن شب از هر بدی در امان است؛ زیرا همه‌ی آن شب سلامتی است، از غروب آفتاب تا طلوع فجر آن شب، هنگام فرود آمدن فرشتگان است پس همه‌ی شب سلامتی و امان از هر مخوف است.

شان نزول:

ابن ابی حاتم از مجاهد مرسلأ روایت نموده است که رسول الله صلی الله علیه وسلم وضعیت جهادگری از قوم بنی اسرائیل را ذکر فرمود که او تا هزار ماه پشت سر هم در جهاد مشغول ماند که هیچ گاه شمشیر های خویش را به زمین نمی گذاشت، مسلمانان با شنیدن آن در شگفت قرار گرفتند، بر این، سوره «قدر» نازل گردید، و در این، عبادت یک شب این امت را بالاتر از عبادت تمام عمر آن مجاهدین قوم بنی اسرائیل یعنی هزار ماه قرار داد.

ابن جریر به روایت مجاهد واقعه دیگری ذکر نموده است که عابدی در قوم بنی اسرائیل بود که همه شب در عبادت مشغول بود، و به هنگام صبح به جهاد بیرون می رفت و به جهاد مشغول میشد، و بدین شکل او هزار ماه در عبادت به سر برد، بر این، خداوند متعال سوره «قدر» را نازل فرمود، از این، نیز معلوم میگردد که شب قدر از خصوصیات امت محمدی است. (مظهری).

ابن کثیر این را قول امام مالک دانسته است و بعضی از شوافع آن را قول جمهور قرار داده اند، خطابی بر این، ادعای اجماع را دارد، اما بعضی محدثین در این باره اختلاف نظر دارند. (برای تفصیل مراجعه شود به تفسیر ابن کثیر).

شب قدر و نزول قرآن کریم:

الف: نزول قرآن کریم:

یکی از خصوصیات و امتیازات شب قدر این است که قرآن عظیم الشان، کتاب هدایت و راهنمای بشر و معجزه جاوید پیامبر بزرگوار اسلام محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم در این شب نازل شده است. که سه آیه از قرآن عظیم الشان این مطلب را مورد تأیید قرار داده است:

اول:

سوره «قدر» که میفرماید: «انا انزلناه فی لیلہ القدر»،

دوم:

آیه صد و هشتاد و پنج سوره «بقره»: «شهر رمضان الذي انزل فيه القرآن».

و سوم:

(آیات 3 و 4 سوره دخان) که میفرماید: «إنا أنزلناه فی لیلۃ مبارکة إنا كنا منذرین فیها یفرق کل أمر حکیم» (سوره دخان/ آیات ۳ و ۴) (ما قرآن را در شبی مبارک نازل نموده ایم زیرا همواره هشدار دهنده و اندازه کننده بوده ایم. در آن شب مبارک هر امری طبق حکمت خداوند تنظیم میشود).

مبارک یعنی چه؟

کلمه «مبارک» در آیه متبرکه آمده است، از ماده برکت گرفته شده است. یعنی این شب، شبی است پر از رحمت، شبی است بسیار مفید و سودمند، که در آن فراخی و زیادی نعمت و روزی وجود میداشته باشد.

هکذا پروردگار با عظمت ما میفرماید: «انا انزلناه فی لیلۃ القدر وما ادراک ما لیلۃ القدر لیلۃ القدر خیر من الف شهر» (به تحقیق ما فرود آوردیم قرآن را در شب قدر و چه چیز مطلع ساخت ترا که چیست شب قدر، شب قدر بهتر است از هزار ماه (خداوند پاک میفرماید: «شهر رمضان الذي انزل فيه القرآن» (ماه رمضان ماه است که در آن قرآن فرود آورده شده است. (سوره بقره/ آیه ۱۸۵) و در سوره قدر میخوانیم:

«انا انزلناه فی لیلۃ القدر» (ما آن را در شب قدر نازل کردیم) بناً حکم مطلق همین است که شب قدر در ماه مبارک رمضان است.

بناً حکم مطلق اکثریت از مفسرین همین است که شب قدر در ماه مبارک رمضان است. شبی است که در آن قرآن عظیم الشان که مبدا تمام خیرات و برکات و سر چشمه تمام نیکی ها و خوبی ها است، نزول یافته است.

شب قدر، شبی است، که مقدرات جهان بشریت با نزول قرآن در آن استحکام میپذیرد و مشخص می گردد.

مفسرین اسلام نزول قرآن را بر دو قسم تقسیم مینمایند:

1- نزول دفعی و کلی

2- نزول تدریجی

نزول دفعی یعنی قرآن عظیم الشان بطور کامل در شب قدر بر قلب رسول اکرم صلی علیه وسلم نازل گردیده است و نزول تدریجی عبارت از نزولی است که: قرآن در مدت بیست و سه سال به تدریج و به مناسبت ها و طبق رویداد ها بر پیامبر اسلام محمد صلی الله علیه وسلم نزول یافته است.

خواننده محترم!

تعدادی از مفسرین در تفسیر آیت: «**انا انزلناه فی لیلہ القدر**» مینویسند: مراد از «**انزلناه**» «ما قرآن را فرو فرستادیم» نه این نیست که در همین شب قدر جمعاً از عرش به آسمان دنیا فرستاده شده، و نه اینکه قرآن در شب نخستین نزول «جمعاً» بر دل پیامبر صلی الله علیه وسلم نازل شده، این دو تو جیه بی اساس و مغایر آیات صریح قرآن است که بر نزول تدریجی قرآن بر پیامبر صلی الله علیه وسلم تأکید دارد. تفسیر این آیه را در خود قرآن باید جستجو کرد و هر رأی که با شرح قرآن تصادم کند باید آنرا کنار بگذاریم و به آن ننمائیم.

قرآن عظیم الشان در این مورد صریحاً میفرماید: «**وَقُرْآنًا فَرَقْنَاهُ لِتَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ عَلَى مُكْتَبٍ وَنَزَّلْنَاهُ تَنْزِيلًا**» (سوره الاسراء/ 106) (و قرآن را جزء جزء کردیم تا آنرا با درنگ بر مردم بخوانی و با اینگونه نزولی آن فرو فرستادیم).

همچنان میفرماید: «**وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنُ جُمْلَةً وَاحِدَةً كَذَلِكَ لِنُثَبِّتَ بِهِ فُؤَادَكَ وَرَتَّلْنَاهُ تَرْتِيلًا**» (سوره فرقان: 32) (و کافران گفتند: چرا قرآن همه یکباره بر او نازل نشده؟ چنین کردیم تا دلت را با آن استوار سازیم و آنرا آرام و شیوا برخوانیم). این آیات بوضوح نشان می دهند که «نزول» قرآن تدریجی جز وار، و توأم با وقفه بوده و بر رأی کسانی که معتقد به «نزول» یکباره قرآن اند خط بطلان میکشد. «انزلنا» در قرآن برای «نزول» باران بطور مکرر استعمال شده که بارش تدریجی و وقفه ئی باران را افاده میکند نه نزول یکباره همه آب آسمان، یکجا و در یک وقت.

معنای قدر:

مفسرین «قدر» را به معنای اندازه کردن، معین نمودن و فیصله کردن ترجمه و تفسیر نموده اند، یعنی لیلۃ القدر عبارت از شبی است که خداوند متعال در آن هر چیزی را صحیح اندازه مینماید. و وقت آنرا تعیین میکند و احکام را نازل میفرماید و تقدیر هر چیزی را مقرر مینماید.

«**فیها یفرق کل امر حکیم. امرأ من عند الله...**» «فیصله کرده میشود هر کار استوار آن، فرود آوریم آنرا به وحی کردن از نزد خویش.» (الدخان آیات ۴ و ۵).

تعیین شب قدر:

از تصریحات قرآن این امر تا این حد ثابت است که شب قدر در ماه مبارک رمضان می باشد، اما در تعیین تاریخ آن، اختلاف است. چهل قول در این باره است، اما در تفسیر «مظهری» آمده است که از همه این اقوال، صحیح این است که لیلۃ القدر در دهه آخر رمضان است، ولی تاریخ خاصی در این دهه آخر مشخص نیست، بلکه امکان دارد در یکی از این شبها باشد، و نیز آن در هر ماه رمضان تغییر می خورد، و از روی احادیث صحیح احتمال بیشتر این است که در شبهای طاق - (21، 23، 25، 27، 29) بیاید، و در تمام احادیث که در ارتباط با تعیین شب قدر آمده اند، که در آنها شبهای طاق، (21، 23، 25، 27، 29) ذکر شده است جمع میگردند، اگر شب قدر در این شبها دایر و در هر

رمضان تغییر کند، پس همه روایات حدیث به جای خود درست و ثابت میباشند، در هیچ یکی نیازی به تاویل نمی ماند، بنابراین، بیشتر ائمه فقها فرموده اند که شب قدر در دهه آخر رمضان تغییر می یابد.

ابو قلا، امام مالک، احمد بن حنبل، سفیان ثوری، اسحاق بن راهویه، ابو ثور، مزنی، ابن خزیمه و غیره همه هم چنین فرموده اند، و روایتی از امام شافعی نیز موافق با این منقول است. روایتی دیگر از امام شافعی چنین آمده است که این شب غیر قابل تغییر است، بلکه متعین است. (تفسیر ابن کثیر).

روایتی از حضرت عایشه صدیقه رضی الله عنها در صحیح بخاری آمده است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «تَحْرُوا لَيْلَةَ الْقَدْرِ فِي الْعَشْرِ الْآخِرِ مِنْ رَمَضَانَ» یعنی شب قدر را در دهه آخر رمضان جستجو کنید، و در صحیح مسلم به روایت حضرت ابن عمر آمده است که رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمود: «فَاطْلُبُوهَا فِي الْوَتْرِ مِنْهَا» یعنی شب قدر را در شبهای طاق دهه آخر رمضان تلاش کنید. (تفسیر مظهری) در مورد اینکه شب القدر در کدام یکی از شب های رمضان میباشد، آیا این شب واقعاً در دهه اخیر رمضان و آنهم در روزهای طاق و یا هم روزهای جفت قرار دارد بحثی است که به احادیث نبوی باید مراجعه کرد.

و بعضی از علمای متأخرین ذکر نموده است که لیلۃ القدر در شب 27 ماه رمضان است: نظربه این دلیل که کلمات لیلۃ القدر در تمام قرآن کریم سه بار ذکر گردیده است و هر سه کلمه آن در سوره قدر میباشد و کلمه لیلۃ القدر جمعاً 9 حرف است که به این حساب $27=3 \times 9$ میشود.

ولی قبل از همه باید گفت که لیلۃ قدر از جمله شبهای با فضیلتی است که بر همه شب های سال فضیلت و برتری خاصی خود را دارد بخاطر اینکه این شب قرآن و نزول قرآن میباشد. پیامبر صلی الله علیه وسلم در باره فضیلت این شب میفرماید: «مَنْ يَقُمْ لَيْلَةَ الْقَدْرِ إِيمَانًا وَاحْتِسَابًا غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ». (بخاری: 35) «هر کس، شب قدر را بقصد ثواب، زنده نگاه دارد، (یعنی آن شب را در عبادت و بندگی بسر برد)، همه گناهان گذشته اش، مورد عفو قرار خواهند گرفت».

علما به دلیل وجود احادیث مختلف، در مورد تعیین شب قدر آرای متفاوتی دارند، اما بدون شک این شب در دهه شب آخر رمضان و از روزهای فرد میباشد.

از عباده بن صامت رضی الله عنه روایت است که: «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خَرَجَ يَخْبِرُ بِلَيْلَةِ الْقَدْرِ، فَتَلَّحِي رَجُلَانِ مِنَ الْمُسْلِمِينَ فَقَالَ: «إِنِّي خَرَجْتُ لِأُخْبِرَكُمْ بِلَيْلَةِ الْقَدْرِ، وَإِنَّهُ تَلَّحِي فُلَانٌ وَفُلَانٌ، فَرُفِعَتْ، وَعَسَى أَنْ يَكُونَ خَيْرًا لَكُمْ، التَّمَسُّوْهَا فِي السَّبْعِ وَالسَّبْعِ وَالْخَمْسِ». (بخاری: 49) روزی، رسول الله صلی الله علیه وسلم تشریف آورد که شب قدر را برای ما مشخص نماید. در این اثنا، دو تن از مسلمانان سرگرم نماز عه با یکدیگر بودند. آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود: « بیرون آمدم تا شما را از شب قدر با خبر سازم. با دیدن دعوی این دو نفر، مطلب را فراموش کردم. شاید این برای شما بهتر باشد. با وجود این، شب قدر را در هفتم، نهم و پنجم جستجو کنید». (البته اینجا منظور در دهه پایانی رمضان است).

عبد الله بن عمر رضی الله عنهما روایت میکند که: «أَنَّ رَجُلًا مِنْ أَصْحَابِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أُرُوا لَيْلَةَ الْقَدْرِ فِي الْمَنَامِ فِي السَّبْعِ الْآخِرِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ:

«أَرَى رُؤْيَاكُمْ قَدْ تَوَاطَأَتْ فِي السَّبْعِ الْأَوَّخِرِ فَمَنْ كَانَ مُتَحَرِّبًا فَلْيَتَحَرَّهَا فِي السَّبْعِ الْأَوَّخِرِ». (بخاری: 2015).

چند تن از اصحاب پیامبر صلی الله علیه وسلم خواب دیدند که شب قدر، در هفت شب آخر رمضان است. رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «می بینم که خواب های شما در باب اینکه شب قدر در هفت شب آخر رمضان می باشد، موافق یکدیگر است. پس کسی که در صدد یافتن شب قدر می باشد، آنرا در هفت شب آخر رمضان، جستجو نماید».

ابو سعید خدری رضی الله عنه میگوید: «اعْتَكُفْنَا مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْعَشْرَ الْأَوْسَطَ مِنْ رَمَضَانَ فَخَرَجَ صَبِيحَةَ عِشْرِينَ فَحَطَبْنَا وَقَالَ: «إِنِّي أُرِيتُ لَيْلَةَ الْقَدْرِ ثُمَّ أُنْسِيْتُهَا أَوْ نُسِيْتُهَا فَالْتَمِسُوهَا فِي الْعَشْرِ الْأَوَّخِرِ فِي الْوَتْرِ...». (بخاری: 2016).

در دهه دوم رمضان با رسول الله صلی الله علیه وسلم به اعتکاف نشستیم. آنحضرت صلی الله علیه وسلم صبح روز بیستم، بیرون آمد و به ایراد سخن پرداخت و فرمود: «شب قدر، در خواب برایم مشخص شد. ولی من آنرا فراموش کردم و یا آنرا از یادم بردند. پس آنرا در شبهای فرد دهه آخر، جستجو نمایید».

عبدالله بن عباس رضی الله عنهما روایت میکند که: «أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «الْتَمِسُوهَا فِي الْعَشْرِ الْأَوَّخِرِ مِنْ رَمَضَانَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ فِي تَاسِعَةِ تَبَقِي فِي سَابِعَةِ تَبَقِي فِي خَامِسَةِ تَبَقِي». (بخاری 2021) رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «شب قدر را در دهه آخر رمضان، یعنی در نه یا هفت یا پنج روز باقیمانده آن، جستجو کنید».

عبدالله بن عباس رضی الله عنهما در روایتی دیگر، میگوید: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «هِيَ فِي الْعَشْرِ الْأَوَّخِرِ هِيَ فِي تِسْعِ يَمُضِينَ أَوْ فِي سَبْعِ يَبْقِينَ يَعْنِي لَيْلَةَ الْقَدْرِ». (بخاری: 2022) رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «شب قدر در دهه آخر رمضان است، در نه شب و یا در هفت شب آخر آن، میباشد».

بنابر این احادیث وارده در تعیین شب قدر، مختلف میباشد و شاید حکمت نا معلوم بودن آن شب این باشد که مومنان برای بدست آوردن ثواب و اجر عبادت در این شب حریص باشند و در ده شب آخر رمضان تلاش بیشتری را برای رسیدن به این ثواب انجام دهند؛ اما آنچه که اکثر علماء برآند، این است که شب قدر، شب بیست و هفتم رمضان هر سال میباشد و الله اعلم.

سعی و تلاش برای دستیابی شب قدر:

در حدیثی پیامبر صلی الله علیه وسلم آمده است: «من قام ليلة القدر ايمانا واحتسابا غفر له ما تقدم من ذنبه» (کسی که شب قدر را با ایمان و احتساب اجر بر پای دارد گناهان پیشین او بخشایش میشوند).

سیرت نویسان مینویسند که شخصی پیامبر صلی الله علیه وسلم سعی و تلاشی را برای دستیابی شب قدر بخرج میداد، و اصحاب کرام را نیز در سعی تشویق و ترغیب مینمود. از فهم احادیثی منقوله بر میآید که پیامبر صلی الله علیه وسلم برای دستیابی شب قدر در دهه آخر شهر رمضان نه تنها خودش تلاش بیشتری در نماز خواندن و قرئت قرآن و دعا خواندن میکردند که در دیگر روزهای سال چنین تلاشی نداشتند، بلکه خانواده خویش را بیدار می نمود، به امید اینکه شب قدر را دریابند.

چنانکه عایشه رضی الله عنها روایت کرده که پیامبر صلی الله علیه وسلم: «كان إذا دخل العشر الأواخر أحياء الليل وأيقظ أهله وشد المئزر» (بخاری: 2024). یعنی: هنگامیکه دهه

آخر رمضان، فرا می رسید، رسول الله صلی الله علیه وسلم کمرش را محکم می بست (از همسران، دوری می گزید) و شب خود را با عبادت، زنده نگه میداشت و خانواده اش را نیز بیدار می کرد.

در مسند از عبادۀ بصورت مرفوع روایت شده است: «کسی که در جهت یافتن شب قدر، شب را بر پای دارد و موفق به درک آن شود گناهان پیشین و آینده وی آمرزیده خواهد شد».

و در مورد بعضی از گذشتگان از صحابه و تابعین وارد شده است که در دهه اخیر غسل میکردند و خوشبویی استعمال می نمودند به امید اینکه با بهترین وجه بر شب قدر دستیابی نمایند.

بنابراین مسلمانان روزه دار است تا پیروی از سیرت پیامبر صلی الله علیه وسلم و سیرت صحابه تلاش خویش برای حصول این شب مقدس بخصوص در دهه اخیر رمضان بخرچ دهیم، یقیناً این شب در دهه آخر ماه مبارک رمضان و آن هم در شب های طاق میباشد، و بیشتر امید میرود که شب بیست و هفتم باشد. به دلیل حدیثی که مسلم از ابی بن کعب روایت می کند که فرمودند: «به خدا قسم من میدانم که آن شب چه شبی است و همانا شبی است که پیامبر ما را امر نمود آنشب را بر پا داریم و آن شب، شب بیست و هفتم میباشد» و ابی بر آن سوگند یاد می کرد و می فرمود: «با دلایل و نشانه هایی که پیامبرمان ما را از آن مطلع ساخته است آفتاب در حالی در صبح آن روز طلوع میکند که هیچ شعاعی ندارد».

حضرت بی بی عائشه میفرماید: به حضور رسول الله صلی اله علیه وسلم عرض کردم: ای رسول الله! اگر شب قدر را دریافتم چه بگویم؟ پیامبر فرمود بگو: «اللهم إنك عفو كريم تحب العفو فاعف عني» «خداوند! تو بسیار عفو کننده و بسیار صاحب کرمی، عفو نمودن را میپسنندی، پس خطا های مرا عفو کن».

(رواه احمد و ترمذی و صححه الألبانی).

ای خواجه چه جوی از شب قدر نشانی

هر شب، شب قدر است اگر قدر بدانی

«سعدی شیرازی»

چرا شب قدر مشخص نشده است؟

علماء و مفسرین مینویسند که دسترسی به هر امر ارزشمند و ذیقیمت سعی و تلاش و به اصطلاح سرمایه گذاری خود را دارد و معروف است، هر چه چیزی که دارای ارزش و قیمت بیشتر باشد قیمت آن هم بیشتر میباشد.

گفتیم ارزش عبادت در شب قدر بیشتر از هزار ماه است، چیزی واضح است که دیدن و حصول به این شب کار اسان و به این سادگی هم ممکن و میسر نیست، اگر قرار باشد که با این سادگی انسان به این شب دسترسی پیدا کند، نصیب همه انسان ها میشود، دسترسی به این جد و جهد و عبادت و زحمات بسیار میخواهد.

طوریکه مفسرین مینویسند که علت پنهان بودن این شب در شبهای ماه مبارک رمضان و عدم وضوح شب قدر برای گستردگی و افزایش عبادت بندگان و انس بیشتر آنان با پروردگار با عظمت است. از پروردگار با عظمت میخواهیم که حصول این شب را نصیب ما سازد.

تکرار شب قدر در هر سال:

قبل از همه باید گفت که: شب قدر اساساً در همان سال اول نزول قرآن بوده است ولی از فحوای آیه متبرکه «تنزل الملائکه و الروح» که با فعل مضارع است، تکرار و استمرار این شب مقدس را میرساند، این بدین معنی است که شب قدر منحصر به همان شب اول سال نزول قرآن نبوده، بلکه این شب مقدس در هر سال در ماه مبارک رمضان تکرار و «فرشتگان و روح» در آن نازل میگردد.

پس در هر سال قمری، در ماه رمضان مبارک شب قدری هست با این تفاوت که در آن شب دیگر قرآن نازل نمی شود بلکه تنها فرشته و روح فرود می آیند، و رحمت الهی را بر بشر فرود می آورند ولی چگونگی آن به درستی و روشنی معلوم نیست.

عبادت شب قدر بهتر از هزار ماه است!

بعضی از ایام سال هستند که در نزد الله ارزش، جایگاه والا و مقام خاصی خود را دارند، که شاخص ترین آنها شب قدر است. شبی که به اندازه یک عمر ارزش دارد. شبی که قرآن عظیم الشان در توصیف آن میفرماید: «ليلة القدر خیر ألف شهر» (شب قدر از هزار ماه برتر است).

قرآن عظیم الشان در (سوره قدر) میفرماید «انا انزلناه فی لیلة القدر وما ادراک ما لیلة القدر لیلة القدر خیر من ألف شهر» (به تحقیق ما فرود آوردیم قرآن را در شب قدر و چه چیز مطلع ساخت ترا که چیست شب قدر، شب قدر بهتر است از هزار ماه) (خداوند پاک میفرماید: «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ» (ماه رمضان ماه است که در آن قرآن فرود آورده شده است. (سوره بقره آیه ۱۸۵)). و باز هم در سوره قدر میخوانیم: «انا انزلناه فی لیلة القدر» (ما آن را در شب قدر نازل کردیم)

بنابراین مطابق حکم مطلق قرآنی همین است که شب قدر در ماه مبارک رمضان است. حالا برای تعدادی از مسلمانان این سوال پیدا میشود که امت های پیامبران قبلی عمر زیادی داشتند، و شاید عبادت آنان نسبت به عبادت ما بیشتر بوده باشد، مثلاً عمر پیروان نوح علیه السلام بیش از هزار سال بود، ولی عمر ما شاید از شصت و هفتاد سال تجاوز نخواهد کرد، بناً هر قدر که عبادت کنیم عبادت ما به اندازه آنان نخواهد رسید.

ولی اینطور نیست، الله جلالة بر اساس لطف و رحمت خویش بر امت مسلمان عبادت یک شب را به اندازه هزار ماه عبادت ارزانی فرموده است. و با زیبایی خاصی گفته است «لیلة القدر خیر من ألف شهر» شب قدر بهتر از عبادت ۱۰۰۰ ماه میباشد.

هرگاه ۱۰۰۰ را تقسیم ۱۲ ماه کنیم مساوی میشود به ۸۳ سال و هرگاه شخصی در شصت سال عمر خود شبهای قدر را عبادت نماید، و ۶۰ را ضرب ۸۳ کنیم، مساوی میشود به ۴۹۸۰ این است فضیلت و عبادت در شب قدر.

فضیلت و برتری شب قدر:

این واضح است که مخلوقات خداوند منحیث خلقت در بین خود یکی بالای دیگر فضیلت و برتری را دارا اند. مثلاً این برتری و فضیلت در اماکن مسجد و غیر مسجد در مساجد باز هم خاص و عام مانند فضیلت مسجد الحرام بالای مساجد دیگر به همین ترتیب فضیلت زمان بالای همدیگر مانند فضیلت ماه رمضان بالای ماه های دیگر و یا فضیلت روز عرفات بالای روزهای دیگر و هكذا خلقت انسانی که بالای همدیگر فضیلت را دارد که عبارت

از تقوی میباشد مانند خلقت رسول الله صلی الله علیه وسلم با خلقت انسان های دیگر بناً شب قدر بر همه شب های سال فضیلت و برتری خاصی خود را دارد، یکی از برتری های این شب نزول قرآن عظیم الشان در این شب است.

«إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ (1) وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ (2) لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ (3) تَنْزِيلُ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ (4) سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطَلَعِ الْفَجْرِ (5)» و یکبار دیگر در (آیه 3 /سوره دخان) میفرماید: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ إِنَّا كُنَّا مُنذِرِينَ» (ما قرآن را در شبی مبارک و گرامی نازل کردیم) پیامبر صلی الله علیه وسلم میفرماید: «من قام ليلة القدر إيماناً واحتساباً غفر له ما تقدم من ذنبه». (رواه الجماعة إلا ابن ماجه).

«کسی که در شب قدر بر اساس ایمان به خدا و امید اجر و پاداش از وی به نماز بایستد (و به عبادت مشغول شود) گناهان گذشته او بخشیده میشود».

بزرگترین فضیلت این شب همین است که عبادت این یک شب، از عبادت هزار ماه، یعنی هشتاد و سه سال، بهتر است. باز برای بهتر بودن آن، حدی مقرر نیست، که چقدر بهتر است، آیا دو برابر، چهار برابر، ده برابر، صد برابر و غیره همه در این امکان دارند.

در صحیحین از حضرت ابو هریره رضی الله عنه منقول است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: هر کسی که در شب قدر برای عبادت برخاست، همه گناههای گذشته او عفو میگردد. از حضرت ابن عباس روایت است که نبی اکرم صلی الله علیه وسلم فرمود: تمام فرشتگان که در سدره المنتهی اسکان یافته اند، در شب قدر همراه با جبرئیل به دنیا فرود میآیند، و هیچ مرد و زن مومن نیست که آنها را سلام نکنند، غیر از کسی که او شراب بنوشد یا گوشت خوک بخورد.

در حدیثی رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: هر کسی که از خیر و برکت شب قدر محروم بماند، او کاملاً محروم و بدشانس است. اما نه این برای همه حاصل می گردد و نه در تحصیل ثواب و برکات شب قدر دخلی خواهند داشت، لذا نباید به فکر آنها بود. خوانندگان گرامی!

مطابق نصوص شرعی و جمع بندی آیات قرآن کریم چنین استفاده می شود که «شب قدر» یکی از شبهای ماه مبارک رمضان است بناً دساتیر شرعی به زنده داری این ده روز آخر سفارش نموده است.

زیرا از یک سو، قرآن میفرماید: «شهر رمضان الذي انزل فيه القرآن» قرآن در ماه مبارک رمضان نازل شده است. و از سوی دیگر، آیه نخست سوره مبارکه قدر «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» بیانگر آنست که قرآن، در شب قدر نازل شده است. بنابراین از جمع این دو آیه شریفه، به روشنی دانسته می شود که شب قدر در ماه مبارک رمضان واقع شده است. اما اینکه کدام شب از شب های ماه مبارک رمضان است، به روشنی معلوم نیست. روایات که در این زمینه وجود دارند شب قدر را مردد بین این شبها دانسته اند: شب اول، شب هفدهم، شب نوزدهم، شب بیست و یکم، شب بیست و سوم، شب بیست و هفتم و شب بیست و نهم.

بعضی از روایات بر این مطلب تاکید دارند که شب قدر در دهه آخر ماه مبارک رمضان و یکی از شبهای بیست و یکم یا بیست و سوم است.

بعضی از روایات تصریح نموده اند که شب قدر شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان است.

از جمله در حدیثی که از حضرت بی بی عایشه رضی الله عنها روایت شده آمده است: «**كان إذا دخل العشر الأواخر أحياء الليل وأيقظ أهله وشد المنزر**» (بخاری: 2024). «هنگامی که ده روز آخر ماه رمضان فرا میرسد. رسول الله صلی الله علیه وسلم شب بیدار میماند و خانواده اش را بیدار می کرد و سخت به عبادت مشغول میشد».

همچنان در مسند امام احمد و صحیح مسلم آمده: «**كان يجتهد في العشر الأواخر ما لا يجتهد في غيرها**». یعنی: در دهه آخر ماه رمضان تلاش بیشتری را (در عبادت) می کردند که در دیگر روزهای سال چنین تلاشی نداشتند.

از حضرت عایشه روایت شده است که میفرماید: به رسول الله صلی الله علیه وسلم گفتم: اگر دانستم کدام شب قدر است چه بگویم؟ پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: بگو: «**اللهم انك عفو تحب العفو فاعف عني**» «پروردگارا: بی شك تو بسیار آمرزنده ای و آمرزش را دوست میداری. پس مرا ببامرز».

علامات و نشانه های بارزه این شب:

در مورد اینکه شب قدر دارای چه علایم خصایص و نشانی ها میباشند، علماء نظریات متعددی را با استناد به احادیثی نبوی ارایه داشته اند که برخی از این علایم ذیلاً اشاره مینمایم:

مفسرین مینویسند: یکی از جمله علامات بارزه شب لیلة القدر این است که آن شب شبی نسبتاً آرام است و شخص مؤمن دلش در این شب آرام می گیرد و رغبت اش برای انجام کار خیر بیشتر میگردد.

میگویند: «افتاب در صبحگاه شب قدر، ضعیف و سرخ رنگ ظاهر میشود». طوری که در حدیث روایت شده از حضرت جابر بن عبدالله رضی الله عنه آمده است: که رسول الله صلی الله علیه وسلم درباره شب قدر فرمودند: «من شب قدر را دیدم اما آن را فراموشم ساختند. شب قدر در شبهای دهه اخیر رمضان است و شبی است معتدل، نه گرم و نه سرد، روشن و سپید، گویی که در آن ماهی تمام می تابد. آن شب شیطان بیرون نمیآید تا آنکه صبحش روشن گردد».

روایت شده است که رسول الله صلی الله علیه وسلم از خانه بیرون شدند تا به مردم از شب قدر خبر دهند؛ در این اثنا دو مرد را که باهم در کشمکش بودند در برابر خود یافتند پس آن خبر را فراموش کردند.

حکمت در پنهان داشتن شب قدر مانند حکمت در پنهان داشتن وقت وفات و روز قیامت است تا مکلف به طاعات رغبت کرده و بر سختکوشی و جد و جهد خود در این راه بیفزاید، غفلت و سستی نکند و بر شب مخصوصی تکیه ننماید.

ولی به هر حال برای مسلمانان بهتر این است که هر شب ماه مبارک را به احتمال این که شب قدر باشد، به عبادت و قرائت قرآن و دعا بگذرانند و دعا خویش را منحصر به سه و یا چهار شب و یا هم شب های طاق نسازند.

دعا های قرآنی در شب قدر:

از افضلترین دعاهایی که در شب قدر خوانده می شود، دعایی است که پیامبر صلی الله علیه وسلم به بی بی عایشه رضی الله عنها یاد دادند، چنانکه ترمذی از حضرت عایشه

رضي الله عنها روايت کرده و حديث را هم صحيح دانسته، که او گفت: گفتيم: اي رسول خدا! اگر شب قدر را دانستم در آن چه (دعايي) بگويم؟ فرمود:
«قُولِي: اللَّهُمَّ إِنَّكَ عَفُوٌّ تُحِبُّ الْعَفْوَ فَاعْفُ عَنِّي». «بگو: خداوند! تو بخشنده ای، عفو و بخشش را دوست دارز؛ پس مرا مورد عفو و بخشش قرار بده».

در شب های قدر، مي توان هر دعايي را کرد. اما بهتر است دعاهايي را که در قرآن کریم ذکر شدند تلاوت نمود همچون: **«رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَيَّ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لِطَاقَةِ لَنَا بِهِ وَاعْفُ عَنَّا وَاعْفِرْنَا وَارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَيَّ الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ»** و يا **«رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ»** و يا **«رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنفُسَنَا وَإِنْ لَمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ»** و يا **«رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا»** و يا **«رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ»** و يا **«رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ»** و يا **«رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدِي وَ لِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ»**.

و يا دعاهايي که در احاديث پيامبر اکرم ذکر شده اند همچون: **«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنَ الْخَيْرِ كُلِّهِ مَا عَلِمْتُ مِنْهُ وَمَا لَمْ أَعْلَمْ وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الشَّرِّ كُلِّهِ مَا عَلِمْتُ مِنْهُ وَمَا لَمْ أَعْلَمْ»** و يا **«اللَّهُمَّ أَحْسِنْ عَاقِبَتَنَا فِي الْأُمُورِ كُلِّهَا وَاجْرُنَا مِنْ خِزْيِ الدُّنْيَا وَعَذَابِ الْآخِرَةِ»** و يا **«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْهُدَى وَالتَّقَى وَ الْعِفَافَ وَ الْعَنِي»** و يا **«اللَّهُمَّ اغْنِنِي بِالْعِلْمِ وَ زِينِي بِالْحِلْمِ وَ أَكْرِمْنِي بِالتَّقْوَى وَ جَمِّنِي بِالْعَافِيَةِ»** و يا **«اللَّهُمَّ مَقَلِّبِ الْقُلُوبِ ثَبِّتْ قَلْبِي عَلَيَّ دِينِكَ»** و يا **«اللَّهُمَّ جَنِّبْنِي مُنْكَرَاتِ الْأَخْلَاقِ وَ الْأَهْوَاءِ»** و يا **«اللَّهُمَّ اجْعَلْ حَبِيبَكَ أَحَبَّ الْأَشْيَاءِ إِلَيَّ وَ اجْعَلْ خَشْيَتَكَ أَخَوْفَ الْأَشْيَاءِ عِنْدِي وَ اقْطَعْ عَنِّي حَاجَاتِ الدُّنْيَا بِالشَّوْقِ إِلَيَّ لِقَائِكَ وَ إِذَا أَقْرَرْتَ أَعْيُنَ أَهْلِ الدُّنْيَا مِنْ دُنْيَاهُمْ فَاقْرِرْ عَيْنِي مِنْ عِبَادَتِكَ»**.

ملائکة در شب قدر براي چه و بر چه کسانی فرود می آیند:

از خصوصيات بارز ديگر اين شب نزول ملائک و فرشتگان است. بر اساس آيه شريفه **«تنزل الملائكة و الروح فيها باذن ربهم من كل امر»** (فرشتگان و روح در آن شب به اذن پروردگار شان براي تقدير هر کار نازل مي شوند).

در مورد اينکه منظور از روح کيست؟ بعضي گفته اند: «جبرئيل امين» است که «روح الامين» نيز ناميده مي شود. بعضي «روح» را به معني «وحي» تفسير کرده اند. به فحواي آيه 52 سوره شوري «و كذلك اوحينا اليك روحا من امرنا» «همان گونه که بر پيامبران پيش وحي فرستاديم، بر تو نيز «وحي» را به فرمان خود وحي کرديم». برخي از مفسرين روح را مخلوق عظيمي مافوق فرشتگان مي شمارند.

قابل تذکر است که: فرشتگان بر شخص خاصي فرود نمي آيند، بلکه در شب قدر ملائکه به زمين فرود مي آيند تا سلام و دعاي رحمت و مغفرت بر کسانی که اين شب را احياء مي کنند بفرستند، و بر دعاي دعا گويان امين مي فرستند.

نزول فرشتگان نزول رحمت و برکت الهي است، پروردگار با عظمت ما مي فرمايد: **«تَنْزِيلُ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ»**. «در آن فرشتگان با روح به اذن پروردگارشان فرود می آیند» از آسمان ها به سوي زمين «براي هر امري» يعني: فرود می آیند براي پرداختن و نظم و نسق هر امري که خداوند آن را تا سال آینده مقدر و به آن حکم کرده است.

طوری که یاد اور شدیم روح: جبرئیل علیه السلام است و هر چند کلمه «فرشتگان» شامل او نیز میشود ولی از او به سبب فزونی شرفش مخصوصاً نیز یادآوری شد پس این از باب عطف خاص بر عام است.

از فواید فرود آمدن فرشتگان این است که ایشان در زمین انواع طاعاتی را می بینند که در میان اهالی آسمان ها ندیده بودند همچنین آنها در زمین فریاد ناله و زاری گنهکارانی را میشوند که ناله و زاری آنها نزد خداوند دوست داشته تر از زمزمه تسبیح مسبحان است پس در این حال به یک دیگر میگویند: بیایید صدایی را بشنویم که نزد پروردگار ما دوست داشته تر از تسبیح ما میباشد».

اعمالی که در شب قدر باید انجام یابد:

اکثریت مطلق مفسرین، محدثین و علماء بر این امر معتقد اند که: سنت است که روزه داران بر امر اعتکاف در ده آخر ماه رمضان بمنظور برخورداری از خیر و پاداش و دریافتن شب قدر انجام گیرد است.

و مستحب است که شخص معتکف به عباداتی مانند نماز، تلاوت قرآن و سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر گفتن و طلب مغفرت، صلوات بر پیامبر صلی الله علیه وسلم، دعا کردن، بحث و گفتگوی علمی و مانند اینها مشغول سازد.

و مکروه است که اعتکاف کننده خودش را با سخنان و اعمال بیهوده سرگرم کند همانطور که ساکت ماندنش به گمان اینکه سکوت، او را به خدا نزدیک میکند مکروه است».

نزول همه کتب آسمانی در رمضان:

در حدیثی را که حضرت ابوذر غفاری روایت نموده است که می فرماید که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: صحیفه های حضرت ابراهیم به تاریخ سوم رمضان، تورات در تاریخ ششم، انجیل در تاریخ سیزدهم و زبور در تاریخ هجدهم رمضان نازل گردیده است، و قرآن کریم به تاریخ بیست و چهارم رمضان بر رسول الله صلی الله علیه وسلم نازل شده است.

نزول فرشتگان برای اشخاص معین است:

نزول فرشتگان در شب قدر برای شخص معین و خاصی صورت نمی گیرد، بلکه در شب قدر ملائکه به زمین فرود می آیند تا سلام و دعای رحمت و مغفرت بر کسانی که این شب را احیاء میکنند بفرستند، و بر دعای دعا گویند آمین می فرستند.

نزول فرشتگان نزول رحمت و برکت الهی است، همانطوریکه فرشتگان در موقع تلاوت قرآن و حلقه های علم نازل میشوند و بال های شان را برای طالب علم میگسترانند. «تَنْزِلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ». «در آن فرشتگان با روح به اذن پروردگارشان فرود می آیند» از آسمان ها به سوی زمین «برای هر امری» یعنی: فرود می آیند برای پرداختن نظم و نسق هر امری که خداوند آن را تا سال آینده مقدر و به آن حکم کرده است.

کدام انسان ها از فرشته ها برتر هستند؟

البته در این شکی نیست که پیامبر اسلام محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم افضل مخلوقات و باشرفترین آنهاست، و فضیلت او از تمامی انسانها و فرشتگان و اجنه بالاتر است، و شک و تردیدی در این امر مسلم وجود ندارد.

اما در مورد غیر پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم و ملائکه نظر اتی وجود دارد:
نظریه اول:

نظریه اول اینست که انسان ها از ملائکه افضلتر هستند. علما که بر افضل بودن انسان نسبت به ملائکه حکم میکنند، استدلال می آورند که خداوند متعال به ملائکه امر نمود که بر آدم سجده ببرند و لذا گفته اند که این دلیل بر تفضیل انسان بر ملائکه است؛ آنجا که فرمود: «وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا» (سوره بقره 34). یعنی: و (یاد کن) هنگامی را که به فرشتگان گفتیم: «برای آدم سجده کنید!» همگی سجده کردند.

نظریه دوم:

نظریه دوم اینست که : ملائکه نسبت به انسان ها افضلتر هستند. این تعداد از علما استدلال به حدیثی پیامبر صلی الله علیه وسلم مینماید که فرموده است:
«يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى: أَنَا عِنْدَ ظَنِّ عَبْدِي بِي، وَأَنَا مَعَهُ إِذَا ذَكَرَنِي، فَإِنْ ذَكَرَنِي فِي نَفْسِهِ ذَكَرْتُهُ فِي نَفْسِي، وَإِنْ ذَكَرَنِي فِي مَلَأٍ ذَكَرْتُهُ فِي مَلَأٍ خَيْرٍ مِنْهُمْ...».

(بخاری: 7405) یعنی: «خداوند متعال می فرماید: من با بنده ام بر اساس گمانی که به من دارد، رفتار مینمایم. و هنگامی که مرا یاد می کند، من با او هستم. پس اگر در تنهایی مرا یاد کند، من هم او را در تنهایی، یاد خواهم کرد. و اگر مرا در میان جمع، یاد کند، من او را در میان جمع بهتری (یعنی ملائکه)، یاد خواهم کرد...».

و منظور از یاد کردن ذاکرین در میان جمع بهتری، یعنی جمع ملائکه! و این را می رساند که ملائکه از انسانها برترند.

نظریه سوم:

نظریه سوم اینست که :ملائکه به اعتبار اینکه زودتر از انسانها خلق شده و از نور خلق شده اند و اهل استکبار و سرپیچی نیستند، و در آنچه خدا بدانها امر می کند سرپیچی نمی کنند، و آنچه که بدانها امر شود انجام می دهند و اهل شهوت نیستند و بندگانی مکرّم نزد الله تعالی می باشند، لذا از این جهت آنها افضلتر هستند.

ولی انسان ها به اعتبار آنکه محل رضای خدا قرار میگیرند و مورد کرامت پروردگار هستند و ملائکه در بهشت آنها را مسرور میکنند، و بر آنها سلام می دهند، از این جهت انسانها از ملائکه افضلتر هستند. (و این نظر شیخ الاسلام ابن تیمیه است).

نظریه چهارم:

نظریه چهارم نظریه سکوت! است یعنی هیچیک را بر دیگری نه تفضیل میدهند و نه عکس آن، (و این قول شیخ ابن عثیمین است).

زیرا پرداختن به این مسئله (یعنی بیان افضلتر بودن ملائکه یا انسانها) نه مفید است و نه نیازی بدان می رود، و نفعی برای شخص مسلمان ندارد، پس بهتر است از پرداختن به این موضوعات خود داری نمود، زیرا صحابه رسول خدا صلی الله علیه وسلم که از هر کسی نسبت به علم و ایمان حریصتر بودند هرگز وارد این مباحث نشده و از خود و یکدیگر نپرسیده اند که آیا ملائکه افضلتر است یا انسانها؟! و چیزی که صحابه در مورد آن سکوت کرده اند، بهتر است ما نیز سکوت کنیم چرا که یک قاعده شرعی وجود دارد که باید بدان توجه کرد و آن اینست که: «در هر چیزی از مسائل دین که صحابه در آن مورد سکوت کرده اند، بدان که پرداختن به آن چیز جزو فضولی محسوب شده و نیازی به آن نیست».

زیرا آنچه که برای ما لازم است باید از طریق کلام الله و سنت نبوی و یا صحابه اخذ شوند، و هرگاه در یک مسئله دینی آنرا در یکی از این سه طریق نیافتیم، پس باید دانست که آن چیز جزو دین نیست و لذا پرداختن به آن بی مورد است. (نگاه کنید به: شرح العقیده السفارینیة؛ علامه ابن عثیمین، صفحه 605). و بنظر می رسد که حکم بر تفضیل انسان و ملائکه امری غیر ضروری است، یعنی دانستن به این مسئله نیازی نیست و بهتر است از پرداختن به آن خودداری کنیم و بگوییم: خدا آگاهتر است والسلام!

آیا واقعاً شیطان معلم ملائکه بود:

در مورد اینکه آیا واقعاً ابلیس معلم ملائکه و فرشتگان بوده باشد، هیچ دلیلی از کتاب و سنت صحیح مبني بر این امر در شرع وجود ندارد، از اینرو نمی توان بدون دلیل این ادعا را مطرح کرد و هرکس چنین می گوید یا باید دلیل از کتاب و سنت بیاورد و یا آنکه بدون علم سخن نگوید چرا که خداوند متعال می فرماید: «وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا» (سوره اسراء 36) یعنی: «و چیزی را که بدان علم نداری دنبال نکن» به این ترتیب، خدای متعال نهی می کند از این که انسان چیزی بگوید یا به چیزی عمل کند که به آن علم ندارد. همچنین این معنی، شامل گواهی دروغ، سخن دروغ، افترا و طعن زدن به دیگران، جست و جوی عیوب مردم، دگرگون کردن حقایق علمی، جعل اخبار و غیر این از دغلبازی ها، تقلب ها و اعمال مبتنی بر حدس و تخمین و گمان نیز میشود. «زیرا گوش و چشم و قلب، همه مورد پرسش واقع خواهند شد» یعنی: از صاحب آنها پرسیده می شود که این حواس خود را در چه راهی به کار گرفته است زیرا حواس انسان آلات و ابزاری اند که اگر او آنها را در خیر به کار گیرد، سزاوار دریافت پاداش است و اگر آنها را در شر به کار گیرد، سزاوار عقاب می باشد. به قولی: خداوند عزوجل این اعضا را در هنگام پرسش از آنها به نطق می آورد و آنها از آنچه که صاحبشان انجام داده است خبر می دهند. چنان که آیات و احادیث گواه این حقیقت است. آنچه که بعضی از علما فرموده اند اینست که ابلیس جزو مقربان درگاه الهی بوده است، یعنی هر چند که او خود ملائکه نبود و از جنس جن بود ولی در میان ملائک مقرب قرار داشت.

الله تعالی در قرآن چنین میفرماید: «إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِّن طِينٍ * فَاذًا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِن رُّوحِي فَفَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ * فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ * إِلَّا إِبْلِيسَ اسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ * قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا مَنَعَكَ أَنْ تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتُ بِإِيْدِي اسْتَكْبَرْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ الْعَالِينَ * قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِّنْهُ خَلَقْتَنِي مِن نَّارٍ وَخَلَقْتَهُ مِن طِينٍ * قَالَ فَأَخْرِجْ مِنْهَا فَإِنَّكَ رَاجِمٌ» (سوره ص 71-77) یعنی: و به خاطر بیاور هنگامی را که پروردگارت به فرشتگان گفت: «من بشری را از گل می آفرینم! هنگامی که آن را نظام بخشیدم و از روح خود در آن دمیدم، برای او به سجده افتید!»

در آن هنگام همه فرشتگان سجده کردند، جز ابلیس که تکبر ورزید و از کافران بود! گفت: «ای ابلیس! چه چیز مانع تو شد که بر مخلوقی که با قدرت خود او را آفریدم سجده کنی؟! آیا تکبر کردی یا از برترین ها بودی؟! (برتر از اینکه فرمان سجود به تو داده شود!)» گفت: «من از او بهترم؛ مرا از آتش آفریده ای و او را از گل!» فرمود: «از آسمان ها (و صفوف ملائکه) خارج شو، که تو رانده درگاه منی!

بنابر این بر اساس قولی، ابلیس از میان ملائک مقرب رانده شد و بعدها نیز از بهشت خارج گردید. چنانکه علامه سعدی در تفسیر خود نوشته: «قَالَ فَأَخْرَجُ مِنْهَا» خداوند به ابلیس گفت: از آسمان و جایگاه ارزشمند بیرون برو، «فَاتَّكَ رَجِيمٌ» چرا که تو مطرود و رانده شده از رحمت الهی هستی.

و میفرماید: «وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ كَانَ مِنَ الْجِنِّ» (سوره کهف 50)

یعنی: به یاد آرید زمانی را که به فرشتگان گفتیم: «برای آدم سجده کنید» آنها همگی سجده کردند جز ابلیس که از جن بود.

و از این آیه می توان به این مطلب پی برد که ابلیس در میان ملائک بوده است ولی هیچیک از نصوص قرآنی به این امر اشاره نکرده اند که ابلیس معلم ملائک بوده باشد. بنابراین ما نیز این ادعای باطل را مردود می دانیم و به همه ی مسلمانان تابع کتاب و سنت می گوئیم که از باورها و اعتقادات بدون دلیل دوری و حذر نمایند.

تفاوت بین ملائکه و جن:

در بین ملائکه و جن تفاوت های مختلفی و متعددی است از جمله:

1- در اصل خلقتشان که جنیات از آتش سوزان و فرشتگان از نور آفریده شدند.

2- فرشتگان بنده گانی مطیع، فرمانبردار، مقرب و مورد احترام خداوند می باشند، چنانچه خداوند میفرماید: «بَلْ عِبَادٌ مُّكْرَمُونَ * لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ» (الأنبياء: 26 - 27). «فرشتگان بندگان محترمی هستند، آنها در سخن گفتن بر خدا پیشی نمی گیرند، و تنها به فرمان او کار می کنند».

و نیز میفرماید: «لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ» (سوره التحریم: 6). «از خدا در آنچه به آنها دستور دهد نافرمانی نمی کنند، و همان چیزی را انجام میدهند که بدان مأمور شده اند».

اما جنیات، بعضی از آنها مؤمن و بعضی کافر میباشند، چنانچه خداوند تبارک و تعالی از آنها در قرآن خبر داده، میفرماید: «وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ وَمِنَ الْقَاسِطِينَ» (سوره الجن: 14). «در بین ما، فرمانبرداران و منحرفان و بیدادگرانند».

بعضی از آنها مطیع و فرمانبردار و بعضی نیز گنهگار هستند، و خداوند در این باره میفرماید: «وَأَنَا مِنَ الصَّالِحِينَ وَمِنَ دُونَ ذَلِكَ» (سوره الجن: 11).

«و بعضی از ما تسلیم فرمان خدا و پرهیزگارانند، و بعضی از ما جز این، (یعنی نافرمان و بی دین)» و بسیاری دیگر از آیات قرآن که در این باره وارد شده است.

اسمائی فرشته که مسؤل حمل عرش الهی اند:

ملائکه هایی هستند که حامل عرش میباشند: «الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُؤْمِنُونَ بِهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا» (سوره غافر 7) «کسانی که عرش با عظمت الهی را حمل میکنند، و آنهایی که پیرامون عرش به تسبیح و ستایش پروردگارش مشغولند، هم خود به خدا ایمان دارند و هم برای اهل ایمان از خدا آمرزش و مغفرت می طلبند» و میفرماید: «وَيَحْمِلُ عَرْشَ رَبِّكَ فَوْقَهُمْ يَوْمَئِذٍ ثَمَانِيَةٌ» (سوره حاقه 17)

«عرش پروردگارت را در آن روز (یعنی قیامت) هشت ملائکه حمل میکنند». تعدادی از علما می گویند: کسانی که اطراف عرش هستند ملائکه های مقرب هستند و ایشان با آنکه حامل عرش هستند اشرفترین ملائکه میباشند. (تفسیر ابن کثیر (120/7)).

اما اسم آن ملائک در کتاب و سنت وارد نشده است و بیشتر بنام ملائکه ی «حمل کننده گان عرش» مشهورند و لذا ما نیز به همین اصطلاح اکتفا میکنیم؛ بصورت کل گفته می توانیم که ملائکه جزو موجودات غیبی هستند که الله عزوجل آن ها را خلق کرده و خداوند آن ها را فرمانبردار و خاضع قرار داده است و هر یک از آن ها وظایفی دارند که خداوند آن ها را مخصوص انجام آن وظایف کرده است.

اما نام برخی از ملائکه در کتاب و سنت آمده اند که از جمله:

جبریل: مسئول وحی، اسرافیل، مسئول نفخ صور و یکی از حمل کنندگان عرش، میکائیل مسئول باران و نباتات، مالک، هاروت و ماروت، رضوان، منکر و نکیر، و کسانی دیگر که در اسامی آنها در نصوص بیان شده است.

و همچنین آنچه نصوص از آن با وصف خبر داده است: مانند رقیب و عتید (مراقب و نگهبان)، یا به وسیله وظیفه آنها مانند ملک الموت (ملائکه مرگ) و ملک الجبال (ملائکه کوهها) یا آنچه را که نصوص به ذکر وظایفشان بصورت مجمل می پردازد مانند: حملة العرش (حمل کنندگان عرش) و الکرام الکاتبین (نویسندگان بزرگوار) و الموکلین بحفظ الخلق (مسئول حفظ خلق)، الموکلین بحفظ الاجنة و الارحام (مسئول حفظ نطفه در داخل رحم)، طواف البيت المعمور (ملائکه مسئول طواف بیت المعمور)، ملائكة السياحین (ملائکه هایی که در زمین میگردند) و ملائکه های دیگری که الله و رسولش صلی الله علیه وسلم از آن خبر داده اند. و واجب است که به صورت مفصل به تمام آنهایی که ذکرشان با نام و صفت و وظایف در اخبار آمده ایمان داشته باشیم و تصدیق کنیم.

آیا ملائکه جسم هستند؟

به اساس این فرموده پروردگار با عظمت گفته می توانیم که بلی که ملائکه جسم هستند «جَاعِلِ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا أُولِي أَجْنِحَةٍ» «ملائکه را پیام رسان فرستادگان به سوی انبیاء گردانیده است ملائکه هایی که دارای بالهای دوگانه هستند» و پیامبر صلی الله علیه وسلم جبریل را بر صورت اصلی خود که بر آن خلق شده و دارای ششصد بال می باشد دیده است. همان گونه که صفت و خبر آن در حدیثی بخاری شریف آمده است.

هر انسان دارای دو فرشته است:

بر هر يك از انسانها دو فرشته مأموریت دارد، یکی بر سمت راست حسنات و نیکی های او را مینویسد، و دیگری در سمت چپ او بدیها را مینویسد، چنانکه پروردگار با عظمت ما می فرماید: «إِذْ يَتَلَقَى الْمُتَلَقِيَانِ عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشَّمَالِ قَعِيدٌ مَا يُلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ.» (سوره ق 17 18). (دو فرشته گفتار و کردار شخص را دریافت می دارند و آنرا ثبت میکنند، یکی از دست راست و دیگری از دست چپ نشسته و همنشین او هستند، هر کلمه که بر زبان براند (از خیر و شر) آنرا مینویسند و مراقب و حاضر حال او اند). این فرشتگان در سفر و در اقامت با انسان هستند، و در تمامی احوال، در نماز در سجود با او هستند و او را ترك نمیکنند مگر در بعضی از حالات خاصی مانند قضای حاجت، و آنان گفتار و کردار او را مینویسند.

فرشتگان نیت و قصد انسانها را می نویسند:

در حدیث صحیح وارد شده، است که فرشتگان حتی نیت و قصد، انسان و آنچه در قلب بنی

آدم بگذرد، و یا آنچه، او در قلب میگوید، و آنچه نیت میکند که آنرا انجام دهد فرشته آنرا مینویسد.

به همین خاطر انسان اگر نیت نیک نماید ثوابش به او میرسد، و بر نیت بد نیز مجازات میشود، زیرا نیت عمل قلبی است.

فرشتگان مأمورند بر انسان از وقتی که به سن بلوغ برسد تا اینکه از دنیا برود و آنان آنچه در دنیا از نیت و کردار و گفتار انجام داده می نویسند.

صدق الله العظيم و صدق رسوله نبی الکریم

فهرست موضوعات و مطالب سُورَةِ الْقَدْرِ

شماره	نام سوره	معانی و محتوای سوره ها	صفحه
	سُورَةُ الْقَدْرِ	- الْقَدْرِ = اندازه، سنجش، ارزش	
1		- محتوای سوره قدر: این سوره به بیان نزول قرآن مجید در شب قدر می پردازد و سپس اهمیت شب قدر و برکات و آثار آن را متذکر می شود. در آیات متبرکه سوره هذا در باره؛ آغاز نزول قرآن و فضایل شب قدر، بحث بعمل آمده است.	
2		- وجه تسمیه .	
3		- موضوع بحث سوره قدر.	
4		- تعداد آیات، کلمات و حروف سوره «القدر» .	
5		- پیوند و ارتباط سوره القدر با سوره العلق.	
6		- فضیلت سوره قدر.	
7		- فضیلت شب قدر.	
8		- اسرار نزول تدریجی قرآن.	
9		- فلسفه‌ی نزول تدریجی قرآن.	
10		- پیام های سوره قدر.	
11		- ترجمه و تفسیر سُورَةِ الْقَدْرِ.	
12		- تشریح لغات و اصطلاحات.	
13		- یادداشتی در مورد «ألفِ شَهْرٍ»: = 83 سال و 4 ماه.	
14		- مفهوم عمر کوتاه انسان.	
15		- نظریات علماء در مورد در بندبودن شیاطین در این ماه.	
16		- شب قدر و نزول قرآنکریم.	
17		- مبارک یعنی چه؟	
18		- معنای قدر.	

19	- تعیین شب قدر.
20	- سعی و تلاش برای دستیابی شب قدر.
	- چرا شب قدر مشخص نشده است؟
	- تکرار شب قدر در هر سال.
	- عبادت شب قدر بهتر از هزار ماه است!
	- فضیلت و برتری شب قدر.
	- علامات و نشانه های بارزه این شب.
	- دعا های قرآنی در شب قدر.
	- ملائکه در شب قدر برای چه و بر چه کسانی فرود می آیند.
	- اعمالی که در شب قدر باید انجام یابد.
	- نزول همه کتب آسمانی در رمضان.
	- نزول فرشتگان برای اشخاص معین است.
	- کدام انسان ها از فرشته ها برتر هستند؟
	- آیا واقعاً شیطان معلم ملائکه بود.
	- تفاوت بین ملائکه و جن.
	- اسمای فرشته که مسؤل حمل عرش الهی اند.
	- اما نام برخی از ملائکه که در کتاب و سنت آمده اند.
	- آیا ملائکه جسم هستند؟
	- هر انسان دارای دو فرشته است.
	- فرشتگان نیت و قصد انسانها را می نویسند.

مکثی بر بعضی از منابع و مأخذها

1- تفسیر صفوة التفاسیر:

تألیف محمد علی صابونی (مولود 1930 م) این تفسیر در سال 1399 ق نوشته شده است. نویسنده در تدوین این تفسیر از مهم ترین و معتبرترین کتب تفسیر از جمله: تفسیر طبری، کشاف، قرطبی، آلوسی، ابن کثیر، البحر المحیط و... استفاده بعمل آورده است.

2- تفسیر انوار القرآن:

تألیف عبدالرؤف مخلص هروی. «تفسیر انوار القرآن» گزیده ای از سه تفسیر: فتح القدیر شوکانی، تفسیر ابن کثیر و تفسیر المنیر وهبه الزحیلی می باشد. سال نشر: 1389 هجری قمری - محل نشر: احمد جام - افغانستان

3- تفسیر المیسر:

تألیف: دکتر عایض بن عبدالله القرنی (اول جنوری 1959 م مطابق 1379 هجری) انتشارات: شیخ الاسلام احمد جام سال چاپ: 1395 هـ.

4- تفسیر کابلی

تفسیر کابلی (ترجمه فارسی ترجمه عثمانی) مفسر: شیخ الإسلام حضرت مولانا شبیر

احمد عثمانی رحمہ اللہ علیہ، مترجم: شیخ الہند حضرت مولانا محمود الحسن رحمہ اللہ علیہ، ترجمہ دری / فارسی: جمعی از علمای افغانستان.

5- تفسیر معالم التنزیل - بغوی:

تفسیر البغوی تألیف حسین بن مسعود بغوی (متوفی سال 516 ہجری قمری) این تفسیر بہ زبان عربی نوشتہ شدہ ، واز تفسیر الکشف والبیان ثعلبی بسیار متأثر می باشد.

6- تفسیر زاد المسیر فی علم التفسیر:

تألیف: ابن جوزی ابو الفرج عبدالرحمن بن علی (510 ہجری / 1116 میلادی - 12 رمضان 592 ہجری) «زاد المسیر فی علم التفسیر» مشہور بہ «زاد المسیر»، تفسیر متوسط ابن جوزی می باشد کہ: این تفسیر خلاصہ از تفسیر بزرگ وی بنام المغنی فی تفسیر القرآن می باشد.

7- البحر المحیط فی التفسیر القرآن: ابو حیان الأندلسی:

تألیف: محمد بن یوسف بن علی بن حیان نفری غرناطی (654 - 745 ق) مشہور بہ ابو حیان غرناطی. تفسیر «البحر المحیط» بہ زبان عربی می باشد. وی بہ تحقیق پیرامون کلمات ہر آیہ و اختلاف ترکیب ہا و بلاغت ، توجہ خاصی مبذول داشتہ است .

8- تفسیر تفسیر القرآن الکریم - ابن کثیر:

تفسیر القرآن العظیم : تألیف عماد الدین اسماعیل بن عمر بن کثیر دمشقی (متوفی 774 ق) مشہور بہ ابن کثیر. کہ از علماء ممتاز و محقق قرن ہشتم بہ شمار می آید . (جلال الدین سیوطی، مفسر و قرآن شناس بزرگ اسلامی می فرماید: ابن کثیر تفسیری دارد، کہ در سبک و روش همانندش نگاشتنہ نشدہ است).

9 - تفسیر بیضاوی:

یا «أنوار التنزیل و أسرار التأویل، مشہور بہ «تفسیر بیضاوی» تألیف شیخ ناصر الدین عبد اللہ بن عمر بیضاوی (متوفی سال 791 هـ) در قرن ہفتم ہجری این تفسیر بہ زبان عربی تحریر یافتہ است . و در سال (1418 ق یا 1998 م) دار إحياء التراث العربی - بیروت - لبنان بچاپ رسیدہ است .

10- تفسیر الجلالین « التفسیر الجلالین»:

جلال الدین محلی و شاگردش جلال الدین سیوطی (وفات جلال الدین محلی سال 864 و وفات جلال الدین سیوطی سال 911 هـ) (سال نشر: 1416 ق یا 1996 م . ناشر: مؤسسة النور للمطبوعات مکان نشر: بیروت - لبنان) این تفسیر در قرن دہم ہجری بزبان عربی واز معدود تفاسیری است کہ توسط چند عالم نوشتہ شدہ باشد.

11- تفسیر جامع البیان فی تفسیر القرآن - تفسیر طبری:

علامہ أبو جعفر محمد بن جریر بن یزید طبری متولد (224 وفات 310 ہجری قمری) در بغداد ویا (839 - 923 میلادی) (قرن 4 قمری، ناشر: دار المعرفة ، محل نشر: بیروت) شیخ طبری یکی از محدثین ، مفسر ، فقیہی و مؤرخ مشہور سدہ سوم قمری است.

12- تفسیر ابن جزی التسهیل لعلم التنزیل:

تألیف محمد بن احمد بن جزی غرناطی الکلبی مشہور بہ جُزَيّ (متوفی 741 ق) (ناشر: شركة دار الأرقم بن أبيالأرقم ، بیروت - لبنان) یکی از موجزترین و در عین حال مفیدترین و فراگیرترین تفاسیر مغرب اسلامی است.

13- تفسیر ابو السعود:

«تفسیر إرشاد العقل السليم إلى مزايا الكتاب الكريم» تأليف: مفسر شيخ ابوالسعود محمد بن محمد بن مصطفى عمادی (متوفى 982) از علمای ترک نژاد می باشد. (محل طبع مکتبه الرياض الحديثه بالرياض) .

14- تفسیر فی ظلال القرآن:

تالیف: سید بن قطب بن ابراهیم شاذلی (متوفی سال 1387 هـ) .
سال نشر 1408ق یا 1988 م. ناشر: دار الشروق، مکان نشر ، بیروت - لبنان

15- تفسیر الجامع لاحکام القرآن - تفسیر القرطبی:

نام مؤلف: عالم ومحقق مشهور اندلس (اسپانیا) علامه ابو عبد الله محمد بن احمد بن بکر بن فرح القرطبی (متوفی سال 671 هجری) هدف اساسی وی از تألیف این تفسیر استنباط احکام ومسائل فقهی از قرآن کریم بوده است .

16- تفسیر معارف القرآن:

مؤلف: حضرت علامه مفتی محمد شفیع عثمانی دیوبندی مترجم مولانا شیخ الحدیث حضرت مولانا محمد یوسف حسین پور.

17- تفسیر خازان:

نام تفسیر: «باب التأویل فی معانی التنزیل (تفسیر الخازان» تألیف: علاء الدین علی بن محمد بغدادی مشهور به الخازان (متولد ۶۷۸ و متوفای ۷۴۱ هجری می باشد.)

18- روح المعانی (الوسی):

تفسیر «روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم» اثر محمود أفندی آلوسی است. (1217 - 1270ق) سال نشر: 01 ینایر 2007 محل نشر ،ادارة الطباعة المنيرية تصوير دار إحيار التراث العربي.

19- جلال الدین سیوطی:

«الاتقان فی علوم القرآن» تفسیر الدار المنثور فی التفسیر با لمأثور»
مؤلف : حافظ جلال الدین عبد الرحمن بن ابی بکر سیوطی شافعی . (۱۴۴۵ - ۱۵۰۵م)
مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف 1426 هـ المدينة المنوره

20- زجاج: «تفسیر معانی القرآن فی التفسیر»:

مؤلف: الزَّجَّاجُ أو أبو إسحاق الزَّجَّاجُ أو أبو إسحاق إبراهيم بن محمد بن السرى بن سهل الزجاج البغدادي است. (241 هجری - 311 هجری 855 - 923 - میلادی)

21- تفسیر ابن عطیة:

نام کامل تفسیر: «المحرر الوجيز فی تفسیر الكتاب العزيز ابن عطية» بوده
مؤلف آن: أبو محمد عبد الحق بن غالب بن عبد الرحمن بن تمام بن عطية الأندلسي المحاربي (المتوفى: 542هـ) سال نشر: سنة النشر: 1422 - 2001 ، دار ابن حزم.

22- تفسیر قتادة:

أبو الخطاب قتادة بن دعامة بن عكابة الدوسي بَصْرِي (61 هـ - 118 هـ ، 680 - 736 م) . وی از جمله تابعین بوده ، که در علوم لغت ، تاریخ عرب ، نسب شناسی ، حدیث ، شعر عرب ، تفسیر ، دسترسی داشت . ودرضمن حافظ بود ، در بصره عراق زندگی بسربرده ولی نابینا بود. امام احمد حنبل درباره او می گوید: «او با حافظترین اهل بصره

بود و چیزی نمی‌شنید مگر اینکه آن را حفظ می‌کرد، من یک بار صحیفه جابر را برای او خواندم و او حفظ شد.» حافظه او در طول تاریخ ضرب‌المثل بود. او در عراق به مرض طاعون در گذشت.

23- تفسیر کشاف مشهور به تفسیر زمخشری.

« تفسیر الکشاف عن حقایق التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل » مشهور به تفسیر کشاف. مؤلف: جارالله زمخشری (27 رجب 467 - 9 ذیحجه 538 هـ) این تفسیر برای بار اول در سال: ۱۸۵۶ میلادی در دو جلد در کلکته بچاپ رسید ، سپس در سال ۱۲۹۱ در بولا ق مصر ، ودر سال‌های ۱۳۰۷، ۱۳۰۸، و ۱۳۱۸ در قاهره به چاپ رسیده است. محل نشر: انتشارات دار احیا التراث العربی.

24- تفسیر مختصر:

تفسیر ابن کثیر: مؤلف: ابوجعفر محمد بن جریر بن یزید بن کثیر بن غالب طبری مشهور به جریر طبری متولد 224 وفات 310 هجری قمری در بغداد (218 - 301 هجری شمسی). تاریخ طبری مشهور به پدر علم و تاریخ و تفسیر است. سال طبع هفتم: 1402 هـ - 1981 م - محل طبع: دار القرآن الکریم، بیروت - لبنان.

25- مفسر صاوی المالکی:

«حاشیة الصاوی علی تفسیر الجلالین فی التفسیر القرآن الکریم» مؤلف: احمد بن محمد صاوی (1175-1241ق) است. سال و محل طبع: : بالمطبعة العامرة الشرفية سنة 1318 هجرية.

26- سعید حوی:

حَوّی، سعید، حَوّی، سعید، مفسر «الاساس فی التفسیر» (یازده جلد؛ قاهره ۱۴۰۵)، که از مهم‌ترین و اثرگذارترین آثار حوی به شمار می‌آید. سال نشر: 1424ق یا 2003 م، محل نشر قاهره - مصر - موسسه دار السلام

27- تفسیر کبیر فخر رازی:

تفسیر فخر رازی مشهور به تفسیر کبیر، شیخ الإسلام فخرالدین رازی (544 هـ - 606 هـ) تفسیر کبیر مهم‌ترین و جامع‌ترین اثر فخر رازی و یکی از چند تفسیر مهم و برجسته قرآن کریم به زبان عربی است.

28- تفسیر سدی کبیر:

تفسیر سدی کبیر اثر «ابومحمد اسماعیل بن عبدالرحمان»، معروف به سدی کبیر، متوفای ۱۲۸ هجری قمری از مردم حجاز است که در کوفه می‌زیست. وی مفسری عالی‌قدر و نویسنده‌ای توانا در تاریخ، بخصوص درباره‌ی غزوات (جنگ‌های) صدر اسلام است. از تفسیر او به نام «تفسیر کبیر» یاد می‌شود که از منابع سرشار تفاسیری است که پس از وی به رشته‌ی تحریر در آمده است. «جلال الدین سیوطی» به نقل از «خلیلی» می‌گوید: سدی، تفسیر خود را با ذکر سندهایی از «ابن مسعود» و «ابن عباس» نقل کرده است و بزرگانی چون «ثوری» و «شعبه» از او روایت کرده‌اند.

29- تفسیر المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز:

مؤلف: ابومحمد عبدالحق بن غالب بن عبدالرحمن بن غالب محاربی معروف به ابن عطیه

اندلسی (481 - 541 هجری)

30 - تفسیر فرقان

تألیف: شیخ بهاء الدین حبیبی

31 - کتاب حاشیة محیی الدین شیخ زاده علی تفسیر القاضی البیضاوی

نویسنده: شیخزاده، محمد بن مصطفی

زبان: عربی

ناشر: دار الکتب العلمیة

سایر نویسندگان: نویسنده: بیضاوی، عبدالله بن عمر - مصحح: شاهین، محمد عبدالقادر - نویسنده: شیخزاده، محمد بن مصطفی .

32 - تفسیر گلشاهی

مؤلف: دکتر آناتواق آخوند گلشاهی

موضوع: ترجمه و تفسیر کامل قرآن کریم

33 - کتاب حاشیة محیی الدین شیخ زاده علی تفسیر القاضی البیضاوی

نویسنده: شیخزاده، محمد بن مصطفی

زبان: عربی

34 - تفسیر مجاهد

تفسیر مجاهد، اثر ابوالحجاج مجاهد (21 - متوفی 102 یا 103 یا 104 یا 105ق) فرزند جبر و یا جبیر مکی مخزومی از مفسران تابعین و علمای علوم قرآنی است.

35- فیض الباری شرح صحیح البخاری:

داکتر عبد الرحیم فیروز هروی، سال طبع: 26 Jan 2016

36- صحیح مسلم - وصحیح البخاری:

گردآورنده: مسلم بن حجاج نیشاپوری مشهور به امام مسلم که در سال 261 هجری قمری وفات نمود. وگرد آورنده صحیح البخاری: حافظ ابو عبد الله محمد بن اسماعیل بن ابراهیم بن مغیره بن بردزبه بخاری (194 - 256 هجری)

37- تفسیر نور دکتر مصطفی خرم دل:

نام کامل تفسیر نور: «ترجمه معانی قرآن» تألیف: دکتر مصطفی خرم دل از کردستان: (متولد سال 1315 هجری، وفات 1399 هجری).

38- مفردات الفاظ القرآن:

از راغب اصفهانی. (خیر الدین زرکلی در کتاب «الأعلام» گفته: او اهل اصفهان بود اما در بغداد سکونت گزید، ادیب مشهوری بود، و در سال 502 هجری قمری وفات کرد». امام فخرالدین رازی در کتاب «تأسیس التقدیس» در علم اصول ذکر کرده که راغب از ائمه اهل سنت است و مقارن با غزالی بود. (بغیة الوعاة 2 / 297 ، وأساس التقدیس صفحه 7.) .

39- تفسیر و بیان کلمات قرآن کریم:

شیخ حسنین محمد مخلوف (751 هـ - 812 ق) ، اسباب نزول، علامه جلال الدین سیوطی ترجمه: از عبد الکریم ارشد فاریابی. (انتشارات شیخ الاسلام احمد جام)

ترجمه و تفسیر « سُورَةُ الْقَدْرِ »

تتبع و نگارش: امین الدین « سعیدی - سعید افغانی »
مدیر مرکز مطالعات ستراتیژیکی افغان
و مسؤل مرکز فرهنگي د حق لاره- جرمني
ادرس: saidafghani@hotmail.com

**Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library**